

# آسیب‌شناسی پژوهش‌سراها دانش‌آموزی

رحیم‌زایر کعبه

مدیر پژوهش‌سرای جابرین حیان ناحیه یک تبریز

## مقدمه

در سال ۸۱ طبق بخشنامه شماره ۴۲۰/۲۸ کلید تأسیس پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی زده شد و در سال بعد (۸۲) نخستین، پژوهش‌سرای دانش‌آموزی آغاز به کار کرد. هدف کلی تأسیس این پژوهش‌سراها اشاعه فرهنگ پژوهش میان دانش‌آموزان، ایجاد زمینه برای بروز خلاقیت‌ها و رهنمون شدن آنان به سوی علایق و استعدادهایشان بود؛ اهدافی بلند که می‌تواند فواید زیادی را عاید نظام آموزشی کند. (۴)

اکنون به نظر می‌رسد، با وجود سپری شدن بیش از یک دهه از عمر پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی در کشور، اهداف موردنظر چندان در عمل تحقق نیافته است و آن‌ها با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند؛ چنان‌که بعضی از پژوهش‌سراها به اتاق‌های استراحت همکاران مازاد یا در حال تحصیل تبدیل شده‌اند؛ و یا افرادی در آن‌ها مشغول به کار شده‌اند که توانایی تدریس ندارند و لذا پژوهش‌سرا به نوعی یک حیاط‌خلوت برای آن‌ها شده است. بسیاری از نواحی آموزش و پرورش نیز به کسر ساعات موظفی پژوهش‌سراها یا حذف آن‌ها مبادرت نموده‌اند. حتی بسیاری از دانش‌آموزان از وجود محلی به‌نام پژوهش‌سرا اطلاع ندارند. نویسنده که خود مدیریت یکی از پژوهش‌سراهای تبریز را به عهده دارد و مشکلات کار را از نزدیک تجربه نموده است، سعی دارد با طرح این مسئله که «مشکلات و آسیب‌های پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی کدام‌اند؟» راه‌حلهایی را برای رفع مشکلات و آسیب‌های مورد نظر پیشنهاد کند» عوامل مؤثر در کارکرد نامناسب پژوهش‌سراها عبارتند از:

**۲ مشکل نیروی انسانی:** در اساس نامه اولیه پژوهش‌سراها در سال ۸۱، فضای پیش‌بینی شده تنها شامل آزمایشگاه‌های فیزیک، شیمی، زیست و کارگاه کامپیوتر می‌شد، اما در بخش‌نامه سال ۹۲ علاوه بر آن‌ها، فضاهای دیگری چون رباتیک، هوافضا، نانو، پژوهش ریاضی، نجوم و خلاقیت نیز اضافه شد (۲). که باید گفت راه‌اندازی هر کدام از اینها با امکانات کافی به بودجه‌های کلان نیازمند است. علاوه بر این متخصصان هر کدام از رشته‌ها باید از بین دبیران رسمی آموزش و پرورش باشند که به‌جز در مورد درس‌های فیزیک، شیمی، زیست و کامپیوتر، تأمین آن‌ها بسیار دشوار و حتی ناشدنی است. مشکل دیگر، نبود پشت‌معاونت در پژوهش‌سراهاست که موجب می‌شود بسیاری از کارها به گردن مدیر بیفتد. در نتیجه مدیر نیز در زیر بار حجم کار زیاد یا انجام برخی برنامه‌ها را لغو می‌کند یا اینکه برخی را به شکل صوری و نمایشی انجام می‌دهد.

**۱ برنامه‌ها و وظایف متعدد:** پژوهش‌سراها، وظایف و برنامه‌های متعددی چون مسابقات علمی، آزمایشگاهی، جشنواره‌های مختلف، فراخوان‌های پژوهشی و همایش‌های علمی را بر عهده دارند.

هر کدام از این برنامه‌ها از طرفی به برنامه‌ریزی دقیق، عدم تداخل کلاس‌ها و برنامه‌ها و از طرف دیگر به زمان زیاد، امکانات و بودجه کافی نیازمندند. مثلاً برای موفقیت در جشنواره جوان خوارزمی لازم است کلاس‌های آن به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که اولاً میان کلاس‌ها تداخل نشود ثانیاً امکانات لازم و کافی چون جا و وسایل آزمایشگاهی برای آمادگی و هدایت دانش‌آموزان وجود داشته باشد. این برنامه‌ها به‌دلیل زمان‌بری و نیاز به امکانات کافی موجب می‌گردد همین که دست‌اندرکاران پژوهش‌سرا می‌خواهند تدابیر لازم را برای جشنواره خوارزمی هماهنگ سازند، برنامه دیگری مثل جشنواره جابرین حیان از راه می‌رسد. در نتیجه برنامه دوم به شکل صوری برگزار می‌شود.



**۳ نبود ردیف بودجه مشخص:** در ماده ۱۲ اساس‌نامه پژوهش‌سراها، منابع مالی آن‌ها، سه منبع در نظر گرفته شده که عبارت‌اند از «اعتبارات تخصیصی از سوی شوراهای آموزش و پرورش استان‌ها و مناطق؛ مؤسسات محلی از قبیل شهرداری‌ها، مراکز علمی و پژوهشی و بنگاه‌های اقتصادی و نه‌ایتاً کمک‌های مردمی». بنابراین پژوهش‌سراها رسماً دارای ردیف بودجه خاصی نیستند. همین امر موجب می‌شود تا «برخی پژوهش‌سراها به تدریج با انحراف از اهداف اصلی خود برای تأمین هزینه‌های خود دست به برگزاری کلاس‌های کنکور و تقویتی بزنند.» (۴)



**مسئله کنکور:** براساس ماده ۷ اساسنامهٔ پژوهش‌سراها در سال ۸۱، دانش‌آموزان واجد شرایط برای عضویت، دانش‌آموزان دورهٔ متوسطه و پیش‌دانشگاهی هستند با شرایطی چون داشتن رتبه در مسابقات علمی و یا دانش‌آموزان رتبه اول تا پنجم در هر پایه و رشته تحصیلی در همهٔ مدارس. اما این امر در عمل محقق نشده است. زیرا دانش‌آموزان، خصوصاً تیزهوشان، تمامی نیروی خود را صرف موفقیت در کنکور می‌کنند، چرا که کنکور آیندهٔ شغلی، منزلت اجتماعی، نوع درآمد و سبک زندگی آنان را تعیین می‌کند و سرنوشت و زندگی‌شان را رقم می‌زند. دانش‌آموزان غیرممتاز و گاه کم‌مایه هم با دیدگاه کلاس تقویتی یا رفع اشکال درسی به پژوهش‌سراها نگاه می‌کنند.

امروز کنکور به حدی اهمیت دارد که پژوهش‌سراها فقط با وعده موفقیت در کنکور می‌توانند طرح‌های خود را به جلو ببرند. زیرا دانش‌آموزانی که رتبه اول تا سوم کشاورزی جشنواره خوارزمی را به‌دست آورند، بدون کنکور در همان رشته‌ای که طرح ارائه کرده‌اند می‌توانند در دانشگاه‌ها پذیرش شوند. بنابراین کنکور به شکل فعلی مهم‌ترین مانع بر سر راه حضور و عضویت دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه خصوصاً دانش‌آموزان نخبه می‌باشد.

**راه‌حل**

**هزینه زیاد، فایده کم:** انجام کار پژوهشی برای دانش‌آموزان عضو پژوهش‌سراها از چند جنبه بسیار پرهزینه است. اولاً هر طرحی که دانش‌آموز بخواهد آن را در عمل پیاده سازد به هزینه مالی کم یا زیادی نیاز دارد که متأسفانه پژوهش‌سراها فاقد چنین بودجه‌ای هستند و اگر هم بودجه‌ای داشته باشند به‌دلیل نامشخص بودن نتیجه طرح از قبول آن سر باز می‌زنند. ثانیاً یک طرح مدت‌ها وقت دانش‌آموز را می‌گیرد، تازه ممکن است به موفقیت نرسد، اگر هم به موفقیت برسد ممکن است به‌دلیل تکراری بودن یا نداشتن ایدهٔ نوآورانه از سوی داوران رد شود در نتیجه همه زحمات دانش‌آموز بر باد رود. ثالثاً بسیاری از طرح‌ها نیاز به گرفتن تأییدیه از سازمان مربوطه دارند که این امر مشکلات اداری و اجرایی خاص خودش را داشته و گاه امکان‌پذیر نمی‌گردد. نهایتاً دانش‌آموز حتی با کسب رتبه برتر کشوری جشنواره خوارزمی با عدم پذیرش برخی دانشگاه‌ها، به‌دلیل ندادن کنکور، مواجه می‌شود. بنابراین دانش‌آموزان نمی‌خواهند خود را وارد یک بازی بکنند که دارای هزینه مالی، زمانی و ریسک در موفقیت است. پس بهترین گزینه را سرمایه‌گذاری مستقیم در کنکور می‌بینند که راهی آزموده شده و کم‌ریسک است.



**آموزش محوری به جای پژوهش محوری:** سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در راهکارهای ۱/۲۳، ۱/۱۷، ۱۸/۳ و ۲۳/۲ و ۲۳/۳ به مواردی چون ایجاد شبکه پژوهشی در قالب شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات، گسترش فرهنگ تفکر و پژوهش، حمایت‌های مادی و معنوی از طرح‌ها و نوآوری‌های تربیتی بومی، انتشار یافته‌های پژوهشی، ایجاد بانک اطلاعاتی و... اشاره دارد (۵). اما با وجود این، شیوهٔ یادگیری در کشور ما آموزش محور و نه پژوهش محور است. شیوهٔ آموزش محور مثل این است که فردی شنا کردن را از طریق خواندن کتاب آموزش شنا یاد بگیرد نه اینکه شنا را عملاً در استخر تمرین کند. کنکور اوج شیوه آموزش محور است که در آن، فقط حفظیات و آموزش‌های یاد داده شده و نه استعداد و مهارت، مورد امتحان قرار می‌گیرد و مجوز ورود به دانشگاه‌ها داده می‌شود. ورود به دانشگاه نیز موجب کسب مزایای اجتماعی شده و سرنوشت مثبتی برای فرد به بار می‌آورد. در مقابل، دانش‌آموزانی که در پژوهش‌سراها به شیوهٔ پژوهش محور فعالیت می‌کنند، معمولاً نمی‌توانند در کنکور موفق شوند و مدرکی دانشگاهی بگیرند. در نتیجه از نظر اجتماعی، آینده شغلی و نوع درآمد سرنوشت مبهم و گاه تاریکی پیدای می‌کنند.

موارد اول تا سوم، که در بالا مطرح کردیم، بیشتر مربوط به سطح خرد یا سازمان داخلی پژوهش‌سراها و سه مورد بعدی مربوط به سطح کلان یا ساختار آموزش و پرورش می‌باشند. بنابراین برای تغییر وضعیت ساختاری مذکور، سه تغییر ضروری است:

- تحول در نظام کنکور:** اگر امتحان کنکور به شیوه‌ای برگزار گردد که در آن نه محفوظات دانش‌آموز بلکه توان پژوهش و مهارت عملی او مورد سنجش قرار گیرد؛ در این صورت، شاهد هجوم اکثر دانش‌آموزان خصوصاً تیزهوشان به پژوهش‌سراها برای یادگیری مهارت‌های عملی و پژوهشی خواهیم بود.
- پژوهش محوری به جای آموزش محوری:** اگر پژوهش به یک ارزش و اولویت اساسی برای کشور تلقی شود؛ آنگاه نتایج در سطح عملی و هنجاری خود را نشان خواهد داد. تبدیل پژوهش به یک ارزش، زمانی عملی می‌شود که راه‌حل مشکلات جامعه نه در افکار سلیقه‌ای و ایدئولوژیکی بلکه در تحقیق علمی جست‌وجو شود تا نخبگان علمی بتوانند مهم‌ترین جایگاه‌های اجتماعی را به‌دست آورند و شایستگی‌های پژوهشی به یکی از مهم‌ترین معیارهای تحرک اجتماعی تبدیل شود و...
- واحد درسی «پژوهش و مهارت عملی»:** اگر یک واحد درسی مثلاً تحت عنوان «پژوهش و مهارت عملی» در برنامه درسی دانش‌آموزان قرار داده شود و متولی آن نیز پژوهش‌سراها باشند، در این صورت، دانش‌آموزان در سایهٔ یک توفیق اجباری با پژوهش‌سراها آشنا می‌شوند و حضور و مشارکت آن‌ها موجب تحرک و رونق پژوهش‌سراها می‌شود.

**\* منابع**

۱. برگرفته از بخش‌نامهٔ «اساسنامهٔ پژوهش‌سراها» دانش‌آموزی»، شماره ۴۲/۲۸ مورخه ۱۳۸۱/۱۱/۱۴.
۲. بخش‌نامه «توسعه و فعال‌سازی پژوهش‌سراها دانش‌آموزی»، شماره ۴۰/۲۲۶ مورخه ۱۳۹۲/۱/۲۵.
۳. پارسانیا، حمید و دیگران (۱۳۹۳)، جامعه‌شناسی (۱) ۲۴۳/۱، نشر کتاب‌های درسی ایران.
۴. خیاب‌مریم، «پژوهش‌سراها دانش‌آموزی؛ مهاجر و بی‌امکانات»، روزنامه جام‌جم، شماره ۲۹۴۶، مورخه ۱۳۹۳/۱/۲۳.
۵. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، آذر ۱۳۹۰.